

# بازخوانی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهانه:

تبیینی راهبردی از نظام معنایی زن در مواجهه با چالش‌های نوظهور

سجاد جلیلیان<sup>\*</sup>، علی منصف<sup>\*\*</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهانه انجام شده است. مسئله اصلی، چگونگی بازتولید و راهبری نظام معنایی زن در مواجهه با چالش‌های نوپدید فرهنگی، اجتماعی و هویتی است. روش تحقیق، کیفی و تفسیری با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه و تحلیل روندهای آینده‌ساز است. داده‌ها از طریق تحلیل اسنادی بیانات رهبری، اسناد کلان و متون گفتمانی گردآوری و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که گفتمان انقلاب اسلامی، بر پایه دال مرکزی «کرامت انسانی زن»، مفاهیمی چون مادری، عفاف، نقش تمدنی و مسئولیت اجتماعی را مفصل‌بندی کرده و الگویی متوازن از زن مسلمان ارائه می‌دهد. این گفتمان، در برابر روندهایی چون فمینیسم رادیکال، جنسیت‌زدایی و فروپاشی خانواده، راهبردهایی چون بازتعریف مفاهیم، الگوسازی هویتی و تقویت گفتمان بومی را در پیش گرفته است. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی، بخشی از منظومه تمدنی و الهی آن است و تنها از طریق بازآفرینی مفهومی و کنشگری راهبردی، توان پایداری و الهام‌بخشی در سطح داخلی و جهانی را خواهد داشت.

## واژگان کلیدی

عدالت جنسیتی، تحلیل گفتمان، انقلاب اسلامی، چالش‌های نوظهور.

\*. دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (sajjad14jalilian@gmail.com)

\*\* استادیار دانشگاه فرهنگیان البرز، تهران، ایران (ali\_monsef\_89@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

مسائل مربوط به زنان و جنسیت، از جمله موضوعات مناقشه‌برانگیز و چندلایه‌ای است که در طول دهه‌های اخیر، در بسترهای گوناگون فکری، فرهنگی و سیاسی، مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این مباحث می‌توان به مفهوم عدالت جنسیتی اشاره نمود که به صحنه‌ای از مواجهه مفهومی و ارزشی میان گفتمان‌های مختلف فکری مبدل شده است. در این میان، گفتمان انقلاب اسلامی کوشیده است تا در برابر سیطره گفتمان‌های سکولار و فمینیستی غربی، نظام معنایی و معرفتی ویژه‌ای از زن و عدالت جنسیتی بر پایه‌ی نگرش توحیدی و فطرت‌محور ارائه نماید. این گفتمان، زنان را در جایگاه «انسان تراز اسلامی» مورد خطاب قرار می‌دهد و با تأکید بر کرامت انسانی، نقش تمدنی و تأکید بر جایگاه خانوادگی و مسئولیت اجتماعی بانوان، در راستای بازخوانی نقش‌های جنسیتی بانوان در کالبد گفتمان انقلاب اسلامی تلاش می‌نماید. نخستین گام در این مسیر، بازفهمی نسبت جنس و جنسیت در اندیشه اسلامی است. در ادبیات علمی، جنس<sup>۱</sup> به تفاوت‌های زیستی و فیزیولوژیکی میان زنان و مردان اطلاق می‌شود در حالی که جنسیت<sup>۲</sup>، به‌مثابه مفهومی فرهنگی و اجتماعی، به الگوهای رفتاری و انتظارات نقشی نسبت داده می‌شود که جامعه بر اساس زن یا مرد بودنشان از افراد انتظار دارد (دلفی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). جنس، به‌عنوان امری طبیعی و ثابت در نظر گرفته می‌شود (شجریان، ۱۳۹۹: ۳۳)، در حالی که جنسیت مفهومی پویا، متغیر و تابع شرایط فرهنگی و تاریخی جوامع تلقی می‌گردد (Burr, 2002: 11). برخی پژوهشگران بر این باورند که جنسیت، در واقع نوعی بازنمایی اجتماعی است که میان دو قطب جنسیت زیستی و جنسیت فرهنگی در نوسان است (داوری اردکانی و عیار، ۱۳۸۷: ۱۷۴). بر پایه‌ی همین تمایزات مفهومی میان جنس و جنسیت، نظام‌های فکری رویکردهای متنوعی به عدالت جنسیتی داشته‌اند. گفتمان مدرن غربی، عمدتاً با تأکید بر برابری مطلق حقوقی و حذف تمایزات مبتنی بر جنسیت، به نوعی عدالت مساواتی تأکید دارد... این در حالی است که گفتمان انقلاب اسلامی، با اتکا به مبانی اسلامی، ضمن تأکید بر عدالت جنسیتی تلاش نموده است تا هویت زنانه را از تقلیل به الگوهای غرب محور حفظ کرده و تصویری الهی-تمدنی از جایگاه زن ارائه دهد. بر همین اساس، «عدالت استحقاقی» مبنای تبیینی مستقل از زن، هویت زنانه و عدالت جنسیتی قرار می‌گیرد. در این رویکرد برابری مطلق و تمایزات افراطی به تنهایی معیار عدالت نیستند و زن و مرد هر

1. Sex

2. Gender

کدامشان دارای حقوق خاص و متناسب با فطرت، توانایی‌ها و مسئولیت‌های الهی خود می‌باشند (شجریان، ۱۴۰۰: ۸). در واقع در گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها زن یا مرد بودن مانع دستیابی به حقوق مشروع نیست بلکه عدالت زمانی محقق می‌شود که هر فرد، متناسب با جنسیت و ملاحظات متناسب با آن از موقعیت و امتیاز عادلانه‌ای برخوردار باشد زیرا منشأ تفاوت زن و مرد، خصایص و ماهیت جسمی و روحی هر یک از آنها است. در حقیقت، تکلیف الهی که نیازمند آگاهی، قدرت و اختیار است، شامل حال همه انسان‌ها می‌شود و به هیچ جنس خاصی محدود نیست. از این رو، در دیدگاه این گفتمان نسبت به زن، با وجود پذیرش تفاوت‌های طبیعی میان دو جنس، تحقق عدالت و استمرار نظام حیات بشر و همچنین تجلی و بروز گوهر انسانیت، تنها در سایه انجام تکالیف متقابل افراد ممکن است. در این راستا، زنان به عنوان بازیگران اجتماعی، عناصر کلیدی خانواده و عامل اصلی تربیت در فرآیند شکل‌گیری جامعه اسلامی و هویت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند (خادمی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۶۱).

با این حال، این گفتمان در مواجهه با برخی از تحولات نوپدید در عرصه فرهنگ جهانی از جمله گسترش فضای مجازی، نظریه‌های جنسیتی و سیاست‌های بین‌المللی با چالش‌هایی نوظهور مواجه شده است. گسترش گفتمان‌هایی چون فمینیسم رادیکال، موج‌های جنسیت‌زدایی، بحران هویت‌های جنسی، تضعیف نهاد خانواده و همچنین حمله‌های رسانه‌ای به الگوی زن مسلمان، موجب ایجاد نوعی فشار گفتمانی برای بازتعریف نقش و معنای زن در جامعه شده است. این وضعیت، در صورتی که با غفلت نخبگانی یا سردرگمی راهبردی مواجه شود، می‌تواند به نوعی واگرایی گفتمانی در درون گفتمان انقلاب اسلامی منجر گردد. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین خلأهای موجود، عدم تولید دانش بومی و راهبردی درباره‌ی آینده وضعیت زنان در آینده است. بسیاری از سیاست‌های رسمی و حتی برخی پژوهش‌های علمی، بیشتر ناظر به وضعیت جاری یا تجربه‌های گذشته‌اند، در حالی که تغییرات پیش‌رو، نیازمند رویکردی آینده‌نگرانه و تحلیل روندهای تحولی در حوزه جنسیت، عدالت و ارائه الگوهای منسجم، متعالی و متناسب با زن مسلمان ایرانی است. به همین دلیل، بهره‌گیری از روش‌های آینده‌پژوهی برای تحلیل تحولات پیش‌رو در نظام معنایی زن، به‌ویژه در بستر گفتمان انقلاب اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد.

از همین رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد آینده‌پژوهانه و روش تحلیل روندهای آینده‌ساز، در پی پاسخ به این سؤال محوری است که در مواجهه با چالش‌های نوپدید فرهنگی، اجتماعی و هویتی، گفتمان انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند نظام معنایی زن و عدالت جنسیتی خود را بازتولید و راهبری نماید. این هدف، مستلزم نوعی تبیین راهبردی است، به این معنا که پژوهش،

فرا تر از تفسیر مفاهیم و بازخوانی نظری، سازوکارهای گفتمان انقلاب اسلامی برای حفظ و تقویت معنای هویتی زن مسلمان را در آینده‌های محتمل شناسایی کند و ظرفیت‌های آن برای مواجهه با بحران‌ها، رقابت‌های گفتمانی و چرخش‌های معنایی در حوزه زن و عدالت جنسیتی را تحلیل نماید. در این مسیر، تلاش می‌شود با تحلیل دال‌های مرکزی، شناور و گفتمان‌های رقیب، نوعی چارچوب راهبردی از پویایی معنایی گفتمان انقلاب اسلامی در برابر تحولات نوظهور ترسیم گردد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مفهوم «عدالت جنسیتی» با رویکردهای متنوعی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های موجود عمدتاً در سه محور قابل دسته‌بندی‌اند: نخست، آثاری که به تبیین مفهومی عدالت جنسیتی از منظر فقه اسلامی و منظومه دینی پرداخته‌اند؛ دوم، پژوهش‌هایی که به بازنمایی جایگاه زن در گفتمان انقلاب اسلامی توجه دارند و تلاش می‌کنند تصویر هویتی و ارزشی زن را در چارچوب اندیشه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب «مدظله» تحلیل کنند و سوم مطالعات محدودتری که با بهره‌گیری از روش‌های آینده‌پژوهانه، به رصد روندهای نوظهور در حوزه مسائل زنان پرداخته‌اند. با این حال، ترکیب این سه رویکرد در قالب یک پژوهش تلفیقی، یعنی بازخوانی عدالت جنسیتی در بستر گفتمان انقلاب اسلامی با توجه به چالش‌های نوظهور آینده، کمتر مورد توجه قرار گرفته و خلأ آن محسوس به نظر می‌رسد.

خادمی و تقی‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد منظومه‌ای، به بازخوانی تصویر زن در گفتمان انقلاب اسلامی پرداختند. آنان ضمن شناسایی مؤلفه‌هایی همچون «الگوی سوم زن مسلمان»، «مقاومت»، «هویت مادری» و «نقش‌آفرینی اجتماعی»، مدلی مفهومی از نگاه رهبر انقلاب به مسئله زن ارائه کردند. با این حال، تفاوت این پژوهش با تحقیق حاضر در این است که در آن رویکرد آینده‌پژوهانه و تحلیل چالش‌های نوظهور در عدالت جنسیتی غایب است و عمدتاً به بازنمایی مفاهیم موجود پرداخته می‌شود.

نصرت‌خوارزمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «کنش فرهنگی زنان پس از انقلاب اسلامی: تحلیل گفتمان مطالبات فمینیسم اسلامی» به روش تحلیل گفتمان انتقادی، مطالبات فرهنگی زنان پس از انقلاب را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که گفتمان فمینیسم اسلامی تلاش کرده است هویت زن را با حفظ چارچوب‌های دینی، بازتعریف کند. در این مقاله، گرچه به مسائلی چون عدالت و هویت زن پرداخته شده، اما محور اصلی آن تحلیل

گفتمان فمینیسم اسلامی است و فاقد رویکرد آینده‌پژوهانه یا توجه راهبردی به عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی است.

ایمان‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تبیین مدل ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه با استفاده از نظریه زمینه‌ای و تحلیل متون، تلاش کرد تا مدلی پارادایمی از عدالت جنسیتی مبتنی بر نهج‌البلاغه ارائه دهد. در این مدل، مفاهیمی چون عدالت فطری، کرامت انسانی و تمایزات حقوقی معنا یافته‌اند. اگرچه این مطالعه پایه نظری مستحکمی دارد، اما پژوهش حاضر با تمرکز بر گفتمان انقلاب اسلامی و تحلیل روندهای آینده‌ساز، گامی فراتر در جهت کاربردی‌سازی مفاهیم عدالت جنسیتی برداشته است.

خانی و سهرابی‌فر (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین عدالت در بستر جنسیت از منظر آیت‌الله جوادی آملی» با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی، تلاش کرده‌اند دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره نسبت عدالت و جنسیت را تبیین کنند. آنان با تمایزگذاری میان مفهوم عدالت استحقاقی و عدالت مساواتی، به این نتیجه رسیده‌اند که عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی مبتنی بر کرامت ذاتی و تمایزات حقوقی زن و مرد است، نه بر مبنای یکسان‌سازی نقش‌ها و وظایف. این پژوهش با تأکید بر مبانی فلسفی و کلامی، تصویری روشن از عدالت جنسیتی از منظر فقهی ارائه می‌دهد. با این حال، تفاوت پژوهش حاضر با این مقاله در آن است که رویکرد مقاله‌ی خانی و سهرابی‌فر عمدتاً بازخوانی نظری و فلسفی یک دیدگاه خاص است، در حالی که پژوهش کنونی با تمرکز بر گفتمان انقلاب اسلامی، به تحلیلی آینده‌نگرانه و راهبردی نسبت به چالش‌های نوظهور عدالت جنسیتی در سطح گفتمانی و سیاست‌گذاری می‌پردازد.

صفری شالی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی نحوه بازنمایی مفهوم عدالت جنسیتی در اسناد کلان توسعه‌ای کشور پرداخته است. وی نشان می‌دهد که عدالت جنسیتی در این اسناد، اغلب با تأکید بر کارآمدی اجتماعی، افزایش مشارکت اقتصادی زنان و حفظ چارچوب‌های ارزشی انقلاب اسلامی بازنمایی شده است. پژوهش یادشده با برجسته‌سازی دال‌هایی مانند «توانمندسازی»، «اشتغال» و «تعادل نقش‌ها»، تلاش دارد تا پیوند گفتمان دینی و توسعه‌گرا را در برنامه‌ریزی کلان کشور نشان دهد. در مقایسه، پژوهش پیش‌رو با عبور از سطح تحلیل متون رسمی و سیاست‌گذاری، رویکردی آینده‌پژوهانه اتخاذ می‌کند و به بررسی نظام معنایی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی و چگونگی مواجهه آن با چالش‌های نوظهور فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد.

علیپور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی چگونگی ترسیم عدالت جنسیتی در متن برنامه ششم توسعه پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که این مفهوم عمدتاً با دال مرکزی «توانمندسازی زنان» صورت‌بندی شده و تلاش دارد میان اهداف توسعه‌گرا و ارزش‌های اسلامی توازن برقرار کند. در این مطالعه، تحلیل بر روی مفاهیم کلیدی همچون برابری فرصت‌ها، نقش‌های اجتماعی زنان و ساختارهای تصمیم‌گیری متمرکز شده است. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر آن است که پژوهش علیپور در سطح تحلیل اسناد سیاستی متوقف می‌ماند، اما مقاله پیش‌رو با تمرکز بر نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی و تحلیل روندهای آینده‌ساز، به شناسایی چالش‌ها و طراحی راهبردهای گفتمانی در مواجهه با تحولات نوپدید در حوزه عدالت جنسیتی می‌پردازد.

### ۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای نظریه گفتمان شکل گرفته است؛ نظریه‌ای که با ریشه‌های زبان‌شناسانه آغاز شده و در حوزه تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی گسترش یافته است. سرچشمه این نظریه را می‌توان در آرای زبان‌شناس سوئیسی، فردیناند دوسوسور دانست که با تبیین ساختارهای زبانی، رابطه میان «دال» و «مدلول» را مطرح نموده و نقش زبان را نه به‌عنوان بازتاب واقعیت، بلکه به‌عنوان سازنده معنا معرفی نمود. بر همین مبنای نظریه‌های گفتمان به‌نوعی از مبانی زبان‌شناسی ساخت‌گرایانه او منشأ می‌گیرند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۴۵۷). در ادامه، نظریه‌پردازانی چون نورمن فرکلاف با عبور از نگاه صرف زبانی، نظریه گفتمان را به سطح تحلیل‌های اجتماعی - سیاسی ارتقا دادند. از منظر فرکلاف، معنا در تعامل میان متن و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد و تحلیل گفتمان تنها زمانی کامل است که بافت قدرت و ایدئولوژی حاکم را نیز در برگیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). ویژگی منحصر به فرد تحلیل گفتمانی آن است که ماهیت امور مورد بررسی از پیش تعیین نمی‌شود بلکه توأم با همان صورت‌بندی گفتمانی پا به عرصه حیات می‌گذارد که امکان صحبت درباره آنها را فراهم آورده‌اند. بدین ترتیب، تحلیل گفتمانی با اجتناب از پیش‌داوری مانند ساختارگرایی و نفی نگرش تک بعدی همچون اراده‌گرایی می‌کوشد با ایجاد رابطه متقابل میان متن و زمینه به فهمی روشن و کامل‌تر از واقعیت دست یابد. این نظریه اگر چه به هرگونه کلیت و تمامیت از سر تردید می‌نگرد، اما عناصر مجزا را صرفاً در روابطشان با یکدیگر به تحلیل می‌کشد (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۵).

با این حال، چارچوب نظری اصلی پژوهش حاضر، نظریه گفتمان به روایت ارنستو لاکلاو و موفه است؛ نظریه‌ای که برخلاف رویکردهای زبان‌محور صرف، بر تقابلهای معنایی و هژمونیک در عرصه اجتماعی تمرکز دارد. در این رویکرد، زبان صرفاً ابزار انتقال معنا نیست، بلکه خود عرصه‌ای برای نزاع بر سر معنا و ساخت اجتماعی واقعیت به شمار می‌آید. لاکلاو و موفه نشان می‌دهند که گفتمان‌ها از طریق مفصل‌بندی دال‌های مختلف، تلاش می‌کنند معنای خاصی را تثبیت کنند و به آن وضعیتی مسلط یا «هژمونیک» ببخشند. آن‌ها بر این باورند که معانی همواره ناپایدار، سیال و در معرض چالش از سوی گفتمان‌های رقیب هستند؛ به همین دلیل، هیچ مفهومی معنایی ثابت ندارد و همواره در فرآیندهای گفتمانی بازتعریف می‌شود. در این نظریه، مفاهیمی همچون دال، مدلول، دال مرکزی، دال شناور و غیریت نقش کلیدی ایفا می‌کنند. دال‌ها می‌توانند اشخاص، مفاهیم یا نمادهایی باشند که دلالت بر معنایی خاص دارند و مدلول همان معنایی است که به آن دال نسبت داده می‌شود. در منظومه گفتمانی، دال مرکزی به عنوان هسته اصلی معنابخش، سایر دال‌ها را به گرد خود مفصل‌بندی می‌کند. در مقابل، دال‌های شناور دارای معانی متکثر و سیالی هستند که در گفتمان‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی تعبیر می‌شوند. گفتمان‌های رقیب همواره تلاش دارند این دال‌های شناور را در جهت تثبیت گفتمان خود به کار گیرند و از آن برای تولید هژمونی بهره ببرند (کسرابی، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی در این نظریه، «غیریت‌سازی» است. لاکلاو و موفه معتقدند که هیچ هویتی بدون نفی دیگری قابل شکل‌گیری نیست. گفتمان‌ها برای تثبیت خود نیازمند مرزگذاری با «غیر» هستند و در این فرآیند، گفتمان‌های رقیب را طرد و نفی می‌کنند. از منظر آن‌ها، معنا همواره ناپایدار، احتمالی و برساخته است؛ به همین دلیل، هویت‌ها نیز دائماً در معرض چالش و بازتعریف قرار دارند (امیدی و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۷). نظریه گفتمان با چنین رویکردی، بستر مناسبی برای تحلیل عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد؛ جایی که مفاهیمی همچون کرامت زن، عفاف، مادری، نقش تمدنی بانوان و مسئولیت‌های اجتماعی ایشان به‌عنوان دال‌های مرکزی گفتمان به شکل خاصی مفصل‌بندی شده‌اند. بدین ترتیب، گفتمان انقلاب اسلامی در مواجهه با چالش‌های نوظهور، تلاش می‌نماید تا معنی اصلی یا همان «دال مرکزی» خود را بازتولید نموده و هویت زن مسلمان ایرانی را در چارچوبی تمدنی و تاریخی حفظ نماید. این گفتمان می‌کوشد با تثبیت این معنا، در برابر دال‌های مختلف و متنوعی که از سوی گفتمان‌های جهانی مطرح می‌شوند، از هویت مستقل و معنادار خود دفاع کند. از همین رو، نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، با تأکید بر مفاهیمی همچون دال مرکزی، هژمونی و غیریت‌سازی، چارچوبی کارآمد برای تحلیل سازوکارهای معنایی و هویتی گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه عدالت جنسیتی فراهم می‌آورد.

## ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی راهبردی و آینده‌نگر، در چارچوب پژوهش کیفی-تفسیری سامان یافته است. پرسش محوری تحقیق درباره چگونگی بازتولید و راهبری نظام معنایی زن و عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی در مواجهه با چالش‌های نوظهور، مستلزم رویکردی دووجهی شامل فهم عمیق و نظام‌مند ساخت معنایی موجود و همچنین تحلیل دینامیک آینده‌های محتمل و سناریوهای پیش‌رو است. بر همین اساس، چارچوب روش‌شناختی پژوهش مبتنی بر تلفیق دو سطح تحلیلی گفتمان انتقادی به روایت لاکلاو و موفه به‌عنوان چارچوب کشف و توصیف و مجموعه‌ای از روش‌های آینده‌پژوهی به‌عنوان چارچوب پیش‌بینی و راهبرد سازی است. این تلفیق امکان عبور از تحلیل ایستا به سوی تحلیل پویای تعامل گفتمان با محیط متحول را فراهم می‌سازد. بر همین اساس فرآیند پژوهش پیش‌رو در سه فاز پیوسته و مکمل اجرا شده است: در فاز نخست، ساختار معنایی موجود گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زن و عدالت جنسیتی شناسایی و تبیین گردید. جامعه آماری متون شامل کلیه بیانات مرتبط مقام رهبری «مدظله»، اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و بیانیه گام دوم انقلاب بود که با روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار مورد بررسی قرار گرفت. در فاز دوم، تحلیل روندهای آینده‌ساز انجام شد. در این مرحله، پژوهش حاضر از مدل محیط‌شناسی روندهای کلان بهره گرفت و روندها در پنج حوزه اصلی شامل اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و زیست‌محیطی در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی شناسایی شدند. سپس با استفاده از روش تحلیل تأثیرات متقاطع، تعامل میان روندها و پیامدهای آن‌ها بر نظام معنایی زن در گفتمان انقلاب اسلامی بررسی گردید. این چارچوب امکان ترسیم آینده‌های محتمل و طراحی سناریوهای گفتمانی را فراهم ساخت. در فاز سوم، طراحی راهبردهای گفتمانی انجام پذیرفته و بر اساس یافته‌های دو فاز پیشین، سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه و محتمل برای عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی تدوین شد و راهبردهایی چون بازتعریف مفاهیم، الگوسازی هویتی و تقویت گفتمان بومی پیشنهاد گردید تا ظرفیت‌های گفتمان انقلاب اسلامی در مواجهه با چالش‌های نوظهور تقویت شود. همچنین انتخاب متون و اسناد بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای مشخص صورت گرفته تا اعتبار داده‌ها و انسجام تحلیل تضمین شود. نخست، منابع مورد استفاده شامل اسناد رسمی، متون نظری و پژوهش‌های علمی منتشر شده در حوزه عدالت جنسیتی و گفتمان انقلاب اسلامی بوده‌اند. دوم، ملاک انتخابی بر اساس ارتباط مستقیم محتوا با موضوع پژوهش، میزان استنادپذیری و جایگاه علمی یا نهادی منبع تعیین گردیده است؛ به‌گونه‌ای که تنها متونی وارد تحلیل شدند که یا به‌طور مستقیم به عدالت جنسیتی در چارچوب انقلاب اسلامی پرداخته‌اند یا در سطح نظری و سیاستی

قابلیت تبیین روندهای آینده‌ساز را داشته‌اند. سوم، بازه زمانی انتخاب اسناد از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده است تا هم امکان بررسی تحولات تاریخی فراهم شود و هم آخرین دیدگاه‌ها و سیاست‌ها پوشش داده شوند. چهارم، پروتکل انتخاب منابع بر اساس روش تحلیل مضمون و سنجش کفایت نظری بوده است؛ بدین معنا که فرایند انتخاب تا زمانی ادامه یافته که داده‌ها به اشباع نظری رسیده و مضامین اصلی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی قابل استخراج بوده‌اند. بر همین اساس در مرحله تحلیل داده‌ها، اسناد و متون انتخاب‌شده کدگذاری شدند و مضامین اصلی مرتبط با عدالت جنسیتی استخراج گردید. سپس این مضامین در قالب روندهای آینده‌ساز دسته‌بندی شدند و بر اساس آن‌ها سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه و میانه طراحی شد. در نهایت، راهبردهای کلیدی متناسب با هر سناریو تدوین گردید تا نقشه راهی برای تحقق عدالت جنسیتی در چارچوب هویتی و ارزشی انقلاب اسلامی ارائه شود. همچنین لازم به ذکر است که به منظور شفاف‌سازی فرایند تحلیل گفتمان و امکان ردگیری یافته‌ها، داده‌های استخراج‌شده در سه سطح کدگذاری سامان‌دهی شدند. در مرحله نخست، کدهای اولیه از متون و اسناد انتخابی استخراج گردیدند. سپس این کدها در قالب دسته‌های محوری سازمان‌دهی شدند تا مفاهیم هم‌خانواده و مرتبط در کنار یکدیگر قرار گیرند. در نهایت، کدهای محوری به دال‌های مرکزی و مفاهیم کلیدی پیوند خوردند که مبنای تحلیل نهایی قرار گرفت. برای نشان دادن مسیر حرکت از داده خام به مفهوم نظری، نمونه‌هایی از متون همراه با کدهای متناظر در جداول و بخش یافته‌ها ارائه شده است تا فرایند کدگذاری و تحلیل به‌طور کامل قابل پیگیری باشد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بر اساس چارچوب روش‌شناختی تلفیقی، شامل تحلیل گفتمان انتقادی و آینده‌پژوهی، سامان یافته‌اند. در این راستا، ابتدا ساختار معنایی موجود گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زن و عدالت جنسیتی شناسایی شد. سپس روندهای آینده‌ساز در پنج حوزه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و زیست‌محیطی مورد بررسی قرار گرفت و تعامل میان آن‌ها با روش تحلیل تأثیرات متقاطع تحلیل گردید. نهایتاً، بر اساس این تحلیل‌ها، سناریوهای محتمل برای آینده عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی ترسیم شد. یافته‌های پژوهش در ادامه در چند بخش مجزا ارائه می‌شوند که هر یک به تبیین ابعاد خاصی از نظام معنایی زن و راهبردهای گفتمانی در مواجهه با چالش‌های نوظهور اختصاص دارد.

## ۵-۱. ساخت معنایی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی

مسئله زن در تاریخ ایران در دوره‌های مختلف، ابعاد و زوایای متنوعی به خود گرفته است و در دل تحولات تاریخی کشور، می‌توان نشانه‌های مختلفی از این موضوع را مشاهده کرد. در یک تحلیل کلی، دو رویکرد اصلی در ارتباط با مسئله زن قابل شناسایی است: یکی رویکرد سنتی که به نگرش‌های قدیمی و عرفی وابسته است و دیگری رویکرد مدرن که تحت تأثیر دیدگاه‌های غربی مبتنی بر فردگرایی، برابری مطلق و تقابل جنسیتی است. این دو رویکرد، در لایه‌های هویتی و نقش‌آفرینی زنان در جامعه ایران تأثیرگذار بوده و هر یک به نوعی بر شکل‌گیری جایگاه زن در تاریخ کشور اثر گذاشته‌اند (خادمی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۵۸). در این میان، گفتمان انقلاب اسلامی به‌مثابه یکی از گفتمان‌های هویت‌ساز معاصر، تلاشی نو برای بازتعریف موقعیت زن در سپهر اجتماعی، اخلاقی و تمدنی انجام داده است؛ گفتمانی که نه در چارچوب سنت‌گرایی تقلیل‌گرا جای می‌گیرد و نه به‌طور کامل با رویکرد سکولار مدرن هم‌راستا است. این گفتمان، در واقع، مسیر سومی را ترسیم می‌کند که در آن، کرامت ذاتی زن و نقش فعال اجتماعی او به‌صورت تلفیقی و مکمل دیده می‌شود. تلاش این گفتمان آن است که الگوی جدیدی از هویت زنانه عرضه کند که ضمن حفظ شأن معنوی و الهی زن، امکان حضور هدفمند و مسئولانه او را در عرصه‌های اجتماعی و تمدنی فراهم سازد (سیمبر و رضایور، ۱۳۹۷: ۱۳۳). در قلب این گفتمان، مفهومی محوری به نام «عدالت جنسیتی» قرار دارد؛ مفهومی که معنا و جایگاه آن تنها در نسبت با سایر مفاهیم و در بستر کلی‌تر نظام فکری انقلاب اسلامی قابل درک است. عدالت جنسیتی در این گفتمان، نه به معنای تساوی عددی یا حذف تمایزها، بلکه ناظر به توزیع حکیمانه فرصت‌ها و تکریم مسئولیت‌های متناسب با فطرت زن و مرد است. دال مرکزی این گفتمان در حوزه بانوان، تأکید بر «کرامت انسانی زن» است؛ کرامتی که در منابع اسلامی و الهی، شأنی ذاتی، غیرقابل تقلیل به کارکردهای اقتصادی یا اجتماعی دارد. در قاموس قرآن کریم، کرامت به معنای شرافت، نفاست، عزت و بخشندگی است (قریشی، ۱۳۷۳: ۱۰۳). این معنا، برخلاف الگوی سکولار که کرامت را تابع توانمندی مادی یا استقلال حقوقی می‌داند، جایگاهی ذاتی و فطری برای زن قائل است. در منظومه معنایی گفتمان انقلاب اسلامی، دال مرکزی کرامت انسانی با مجموعه‌ای از مفاهیم پیرامونی مفصل‌بندی شده است که هر یک در نسبت با دیگری معنا می‌یابد و ساختی منسجم و هویت‌ساز را پدید می‌آورد. مفاهیمی چون «مادری»، «عفاف»، «نقش تمدنی»، «خانواده محوری»، «معنویت زنانه»، «عدالت جنسیتی»، «مسئولیت اجتماعی» حلقه‌های این زنجیره معنایی‌اند. در این گفتمان، «مادری» تنها امری طبیعی یا سنتی تلقی نمی‌شود؛ بلکه رسالتی تمدنی و مسئولیتی تاریخی برای تربیت نسل

مؤمن، آگاه و تمدن‌ساز به شمار می‌رود. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «اساساً تربیت از دامان پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۴۵). همچنین مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» می‌فرماید: «از همه‌ی کارهای زن مهم‌تر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان‌های بزرگ است و خدا را شکر می‌کنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴). نقش عفاف نیز در این گفتمان، نه به‌عنوان محدودیتی بیرونی، بلکه تجلی اراده درونی و آگاهی زن برای حفظ شأن معنوی و هویتی خود است. عفاف، ابزار سلطه نیست، بلکه سپری معنوی برای صیانت از ارزش وجودی زن در برابر ابتذال و کالایی‌سازی مدرن است. در واقع، عفاف در این گفتمان، کنشی فعالانه و سوژه‌ساز است که زن را در جایگاه انتخاب‌گر، معنادار و عزتمند قرار می‌دهد. زن در این گفتمان، فاعلی آگاه، دارای نقش دووجهی است: از یک‌سو، مأمور به حفظ ارزش‌های الهی در نهاد خانواده و تربیت نسل و از سوی دیگر، مشارکت‌کننده فعال در عرصه‌های فرهنگی، علمی، رسانه‌ای و اجتماعی با نگاهی تمدنی است. الگویی پیشنهادی در این گفتمان نه مبتنی بر انزوای زن در حصار سنت و نه مبتنی بر آزادی بی‌مرز و رقابت محور غربی است؛ بلکه نگاهی متوازن و تکلیف محور به حضور زن در جامعه دارد.

از منظر نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، تثبیت این معنا نیازمند «غیریت‌سازی» با گفتمان‌های رقیب است. گفتمان انقلاب اسلامی، از یک‌سو با گفتمان فمینیسم سکولار که زن را بر اساس برابری بی‌تمایز، آزادی جنسی، استقلال فردی و هویت غیرخانواده‌محور تعریف می‌کند، مرزبندی دارد. در این گفتمان‌ها بحث تساوی و عدالت شکل گرفته از آن با تشابه و همانندی یکسان محسوب می‌شود و تفاوت‌های زن و مرد نادیده انگاشته می‌شوند و از سوی دیگر، با خوانش‌های سنت‌گرایانه‌ای که زن را به حاشیه می‌رانند و او را تنها در مقام تابع مرد تصور می‌کنند، تضاد دارد. راه‌حل گفتمان انقلاب اسلامی، نه حذف یکی به نفع دیگری، بلکه تلفیق عقلانی فضایل هر دو در قالب الگویی بومی و تمدنی است؛ الگویی که با اتکا به دال «زن مسلمان تراز انقلاب»، توازن بین خانه و اجتماع، عقل و احساس، معنویت و مسئولیت اجتماعی را ممکن می‌سازد. این صورت‌بندی معنایی، در بیانات مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» نیز به‌روشنی انعکاس دارد. ایشان به‌طور مستمر، بر ضرورت حفظ کرامت ذاتی زن، ایفای نقش در عرصه‌های اجتماعی و محوریت خانواده در هویت زن تأکید دارند. نگاه ایشان مبتنی بر الگوی «زن تمدنی» است؛ زنی که ضمن حفظ حریم معنوی و اخلاقی، می‌تواند در فرآیند تولید علم، فرهنگ، رسانه و تمدن نوین اسلامی، نقش آفرین باشد. تأکید مکرر ایشان بر جایگاه

زن در بیانیه گام دوم انقلاب، نشان از جایگاه راهبردی این دال در صورت‌بندی آینده‌نگر گفتمان انقلاب اسلامی دارد (بیانات معظم‌له، ۱۳۹۵/۵/۱۵، ۱۴۰۲/۱۰/۲۰، ۱۴۰۲/۱۰/۲۲، ۱۴۰۱/۱۰/۱۵، ۱۴۰۲/۱۰/۱۵). در مجموع، برآیند این مفصل‌بندی، شکل‌گیری الگویی از عدالت جنسیتی است که ضمن احترام به تفاوت‌های طبیعی، به دنبال تحقق عدالت در ساختارها، نقش‌ها و فرصت‌هاست؛ الگویی که با هویت اسلامی سازگار، با ضرورت‌های تمدنی معاصر هماهنگ و در برابر روندهای جهانی رقیب، واجد توانایی بازآفرینی معنایی و نظری است. این الگو، ظرفیت آن را دارد که به‌مثابه مدل بدیل در گفتمان زن مسلمان، در عرصه جهانی نیز عرضه شود.

جدول ۱. جدول تحلیلی مقایسه‌ای دال‌های معنایی زن و عدالت جنسیتی

دال گفتمانی	معنا در گفتمان انقلاب اسلامی	معنا در گفتمان سکولار غربی	تفاوت راهبردی و دلالت معنایی	مصدق بارز در ایران معاصر
کرامت زن	شأن الهی، غیر وابسته به نقش اقتصادی یا جنسی	حصول قدرت، استقلال مادی و خودبستگی فردی	انقلاب: کرامت فطری و ذاتی؛ غرب: کرامت عملکرد محور	تکریم زنان خانه‌دار در بیانات رهبری
عدالت جنسیتی	توازن در حقوق، فرصت‌ها و مس‌ثولیت‌ها بر پایه تمایزهای فطری	برابری عددی، نادیده گرفتن تفاوت‌ها	انقلاب: عدالت حکیمانه؛ غرب: عدالت مکانیکی	سیاست‌های تفکیک نقش جنسیتی در آموزش و خانواده
مادری	نقش تمدنی، پرورشی، مأموریت تربیت انسان مؤمن و انقلابی	بار زیستی یا مانع پیشرفت حرفه‌ای	انقلاب: مادری = مس‌ثولیت تمدنی؛ غرب: مادری = محدودیت اجتماعی	الگوسازی مادران شهدا در فرهنگ رسمی
عفاف	حریم هویتی، قدرت درونی، مصونیت معنوی	نماد سرکوب، محدودیت آزادی، ابزاری برای سلطه مردانه	انقلاب: عفاف به‌مثابه اختیار و کرامت؛ غرب: عفاف به‌مثابه سرکوب	حجاب به‌مثابه پرچم هویت در دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی
نقش اجتماعی زن	کنش تمدنی، ایفای نقش در ساختار اجتماعی، فرهنگی و علمی	رقابت‌طلبی فردی در میدان اقتصاد و سیاست	انقلاب: مشارکت اخلاق محور؛ غرب: مشارکت بر اساس رقابت و قدرت	حضور پررنگ زنان در رسانه ملی، آموزش و جهاد تبیین
زن تراز انقلاب اسلامی	فاعل آگاه، اخلاق محور، هم‌زمان متعهد به خانواده و فعال در اجتماع	سوژه خودبسته، منفک از نهادهای سنتی و اخلاق دینی	زن در انقلاب = الگوی تلفیقی مس‌ثولیت‌های الهی و اجتماعی؛ زن در غرب = گسست از سنت و خانواده	الگوسازی زن تمدنی در بیانیه گام دوم انقلاب

## ۲-۵. راهبردهای گفتمانی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی در مواجهه با چالش‌های

## نوید

گفتمان انقلاب اسلامی با ارائه مفهومی بدیل از عدالت جنسیتی که بر کرامت انسانی زن، تمایز نقش‌ها و مسئولیت‌های متناسب با فطرت الهی تأکید دارد، ناگزیر از مواجهه با روندهای نوپدید است که در سطح جهانی در حال بازتعریف مفاهیم جنس، هویت و عدالت هستند. جهانی شدن فرهنگ موجب شده است ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای پایدار متعلق به یک یا چند فرهنگ، به تدریج در قالب شبکه‌ای واحد از روابط اجتماعی بازتعریف شوند؛ روابط اجتماعی که پیش‌تر به زمان و مکان خاصی محدود بودند، اکنون با عبور از مرزها و محدودیت‌ها ابعاد تازه‌ای یافته‌اند (فرهمندها و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). این وضعیت فشارهای گفتمانی تازه‌ای بر مفهوم زن مسلمان وارد ساخته و ضرورت بازتعریف نقش‌های سنتی خانواده و مادری را آشکار می‌سازد. از منظر سیاسی، مقام معظم رهبری حفظ هویت زن مسلمان ایرانی را بزرگ‌ترین خدمت به امت اسلامی معرفی می‌نماید (بیانات معظم‌له، ۱۳۹۱/۴/۲۵). این تأکید نشان می‌دهد که در برابر فشارهای گفتمان‌های جهانی پیرامون حقوق زنان، گفتمان انقلاب اسلامی بر تثبیت هویت مستقل زن مسلمان و تقویت گفتمان بومی پای می‌فشارد. روندهای سیاسی جهانی در تلاش‌اند دال‌های شناور عدالت جنسیتی را در جهت گفتمان سکولار تثبیت کنند؛ در این شرایط، بازتولید معنای زن مسلمان به مثابه «انسان تراز اسلامی» یک ضرورت راهبردی است. این امر نشان می‌دهد که عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی نه صرفاً یک موضوع داخلی، بلکه بخشی از نزاع هژمونیک جهانی بر سر معنای زن و عدالت است. در حوزه اقتصادی و فناورانه، تحولات جهانی در چند دهه اخیر نوعی بازاندیشی معنایی مفاهیم هویتی زنان را رقم زده‌اند. بازاندیشی به مثابه فرآیند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و تأمل در مسیرهای ممکن زندگی، سازوکاری است که کنش انسانی را تنظیم و بر آن نظارت می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۴). افزایش مشارکت اقتصادی زنان، تغییر نقش‌های شغلی و دیجیتال شدن زندگی، موجب شکل‌گیری هویت‌های شبکه‌ای و بازتعریف نقش زن در جامعه اسلامی شده است. این روندها از یک سو فرصت‌هایی برای حضور تمدنی زنان در عرصه‌های نوین ارتباطی فراهم می‌آورند و از سوی دیگر تهدیدهایی جدی برای تضعیف نهاد خانواده و تقلیل هویت زن به کارکردهای صرفاً اقتصادی و رسانه‌ای ایجاد می‌کنند. در این میان، گفتمان انقلاب اسلامی باید بتواند میان «عدالت استحقاقی» و «عدالت اجتماعی» توازن برقرار کند تا هم مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و فناورانه تقویت شود و هم بنیان خانواده و نقش تربیتی آنان حفظ گردد. در حوزه زیست‌محیطی و سبک زندگی، بحران‌های زیست‌بوم و تغییر الگوهای مصرف و زیست، مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی زنان را تحت تأثیر قرار داده و ضرورت بازاندیشی در نقش‌های

اجتماعی و فرهنگی آنان را برجسته ساخته است. این روندها نشان می‌دهد که عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی باید با تأکید بر «عدالت استحقاقی» و متناسب‌سازی نقش‌ها و مسئولیت‌ها بازتعریف شود تا بتواند در برابر بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی پایداری ایجاد کند. تحلیل تأثیرات متقاطع روندها نشان داد که آینده عدالت جنسیتی نه محصول یک روند منفرد، بلکه حاصل برهم‌کنش پیچیده روندهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و زیست‌محیطی است. برای نمونه، تعامل میان فردگرایی افراطی و دیجیتالی‌شدن زندگی می‌تواند به تضعیف نهاد خانواده و بحران هویت زن بینجامد؛ در مقابل، پیوند مشارکت اقتصادی زنان با نقش تمدنی آنان می‌تواند فرصتی برای بازتعریف مفاهیم و تقویت گفتمان بومی فراهم آورد. بدین ترتیب، گفتمان انقلاب اسلامی باید با رویکردی راهبردی، هم‌زمان به مدیریت تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌ها بپردازد و از طریق بازتولید معنایی مستمر، ظرفیت الهام‌بخشی خود را در سطح داخلی و جهانی حفظ نماید.

جدول ۲. روندهای آینده‌ساز و پیامدهای آن‌ها در عدالت جنسیتی گفتمان انقلاب اسلامی

حوزه روند	نمونه روندها	چالش‌های اصلی	فرصت‌های راهبردی	نسبت با دال‌های مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی
اجتماعی - فرهنگی	جهانی‌شدن فرهنگ، فردگرایی افراطی، تغییر الگوهای خانواده	تضعیف نهاد خانواده، بحران هویت زن، فشار برای یکسان‌سازی نقش‌ها	بازتعریف نقش مادری و خانواده، تقویت هویت زن مسلمان	کرامت زن، مادری، مس‌نولیت اجتماعی
سیاسی	سیاست‌های بین‌المللی حقوق زنان، فشار گفتمان‌های سکولار	هژمونی معنایی غرب، تضعیف استقلال هویتی	تثبیت هویت زن مسلمان، تقویت گفتمان بومی	هویت زن مسلمان ایرانی، نقش تمدنی
اقتصادی	افزایش مشارکت اقتصادی زنان، تغییر نقش‌های شغلی	تقلیل هویت زن به کارکرد اقتصادی، فشار برای عدالت مساواتی	تقویت عدالت استحقاقی، توازن میان خانواده و اشتغال	عدالت استحقاقی، مس‌نولیت اجتماعی
فناورانه	دیجیتالی‌شدن زندگی، هویت‌های شبکه‌ای	بحران هویت در فضای مجازی، تضعیف روابط سنتی	الگوسازی هویتی در فضای مجازی، حضور تمدنی زنان	نقش تمدنی، عفاف، کرامت زن
زیست‌محیطی	بحران‌های زیست‌بوم، تغییر سبک زندگی	فشار بر نقش‌های اجتماعی و خانوادگی، افزایش آسیب‌پذیری	بازاندیشی در مس‌نولیت‌های اجتماعی، تقویت نقش تربیتی	مس‌نولیت اجتماعی، پایداری خانواده

## ۳-۵. بازخوانی ظرفیت‌های راهبردی گفتمان انقلاب اسلامی در باز تولید معنای عدالت جنسیتی

در این بخش، پس از شناسایی روندهای آینده‌ساز و بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها در حوزه عدالت جنسیتی، تلاش می‌شود آینده‌های محتمل در قالب سناریوهای روشن و راهبردهای عملیاتی ترسیم گردد تا تصویری جامع از مسیرهای پیش‌رو ارائه شود. عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی یک وضعیت ایستا و ثابت نیست، بلکه فرآیندی پویا و در حال شکل‌گیری است که در بستر تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و زیست‌محیطی معنا می‌یابد و به‌طور مستمر نیازمند بازتعریف و باز تولید است. از این منظر، سناریوپردازی نه تنها ابزاری برای پیش‌بینی آینده، بلکه روشی برای درک پیچیدگی‌ها و چندلایگی تحولات جهانی و داخلی است که می‌تواند به سیاست‌گذاران و کنشگران اجتماعی کمک کند تا مسیرهای مختلف را شناسایی کرده و برای هر کدام راهبردهای متناسب طراحی نمایند. بدین ترتیب، سناریوها به‌عنوان چارچوب‌های تحلیلی، امکان بررسی وضعیت‌های خوش‌بینانه، بدبینانه و میانه را فراهم می‌آورند و راهبردهای استخراج‌شده از آن‌ها می‌توانند به‌عنوان نقشه‌ی راهی عملی برای تحقق عدالت جنسیتی در چارچوب هویتی و ارزشی انقلاب اسلامی عمل کنند. این رویکرد آینده‌نگرانه، عدالت جنسیتی را از سطح یک مفهوم نظری فراتر برده و آن را به یک پروژه‌ی اجتماعی - تمدنی تبدیل می‌کند که در تعامل با روندهای جهانی و ظرفیت‌های بومی قابلیت تحقق و تثبیت دارد. بر همین اساس، در ادامه سناریوهای محتمل و راهبردهای متناسب با هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در سناریوی خوش‌بینانه، روندهای جهانی نظیر توسعه سریع فناوری‌های نوین، افزایش مشارکت اقتصادی زنان در عرصه‌های مختلف، گسترش فرصت‌های آموزشی و علمی و تقویت ارتباطات بین‌المللی نه تنها تهدیدی برای هویت زن مسلمان محسوب نمی‌شوند، بلکه با آن هم‌افزایی کرده و زمینه‌ی شکل‌گیری الگویی تازه از زن مسلمان ایرانی را فراهم می‌آورند. در این وضعیت، زن مسلمان ایرانی قادر است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فناورانه، در عرصه‌های پژوهشی، مدیریتی و کارآفرینی نقش‌آفرینی کند، بی‌آنکه کرامت، عفاف و ارزش‌های دینی او تحت‌الشعاع قرار گیرد. خانواده به‌عنوان نهاد مرکزی جامعه تثبیت می‌شود و نقش مادری و تربیتی زن نه تنها مورد تضعیف واقع نمی‌شود، بلکه با حمایت‌های نهادی و سیاست‌های اجتماعی تقویت شده و به‌عنوان محور اصلی انتقال ارزش‌ها و تربیت نسل آینده جایگاه برجسته‌تری می‌یابد. حضور زنان در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ هویت دینی معنا پیدا می‌کند و این حضور به‌گونه‌ای سامان می‌یابد که میان مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی توازن برقرار شود. چنین وضعیتی فرصت‌های گسترده‌ای برای دیپلماسی فرهنگی ایجاد می‌کند؛ چرا که زن مسلمان ایرانی می‌تواند در سطح جهانی به‌عنوان

الگویی بدیل معرفی شود که توانسته میان ارزش‌های دینی و الزامات پیشرفت اجتماعی توازن برقرار کند. این الگو قابلیت آن را دارد که در برابر گفتمان‌های سکولار و فردگرایانه غربی، تصویری متفاوت از عدالت جنسیتی ارائه دهد و به‌عنوان بخشی از پروژه‌ی تمدن نوین اسلامی، نقش زن مسلمان را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی تثبیت نماید. در این سناریو، عدالت جنسیتی نه تنها به‌عنوان یک مفهوم نظری، بلکه به‌عنوان یک تجربه‌ی زیسته و قابل عرضه در سطح جهانی مطرح می‌شود و می‌تواند الهام‌بخش جنبش‌های عدالت‌خواه و هویت‌مدار در سایر جوامع باشد. در سناریوی بدبینانه، فشار گفتمان سکولار، فردگرایی افراطی و هژمونی رسانه‌ای غرب به‌گونه‌ای عمل می‌کند که بنیان‌های هویتی و ارزشی زن مسلمان به تدریج تضعیف می‌شوند. در چنین وضعیتی، خانواده به‌عنوان نهاد مرکزی جامعه دچار فرسایش می‌گردد و نقش مادری و تربیتی زن که یکی از ارکان اصلی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی است، به حاشیه رانده می‌شود. زن بیش از پیش به کارکرد اقتصادی تقلیل می‌یابد و ارزش‌های معنوی و کرامت انسانی او تحت‌الشعاع الزامات بازار کار و الگوهای مصرف‌گرایانه قرار می‌گیرد. رسانه‌های جهانی با تولید و بازتولید تصاویر و روایت‌هایی از زن مدرن سکولار، سلطه معنایی خود را بر گفتمان عدالت جنسیتی اعمال می‌کنند و الگوی زن مسلمان را به حاشیه می‌رانند. در این شرایط، بحران هویت زن مسلمان شدت می‌یابد و فاصله میان ارزش‌های بومی و فشارهای جهانی افزایش پیدا می‌کند. برای جلوگیری از فروپاشی هویت زن مسلمان در این سناریو، ضرورت مقاومت فرهنگی و بازتولید گفتمان بومی بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاومت باید در قالب تقویت نهاد خانواده، حمایت از نقش مادری و تربیتی، بازسازی نظام آموزشی و فرهنگی بر پایه ارزش‌های اسلامی و مقابله فعال با هژمونی رسانه‌ای غربی صورت گیرد. در سناریوی میانه، وضعیت آینده نه کاملاً مطلوب و هم‌افزا با ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی است و نه به‌طور کامل تحت سلطه گفتمان سکولار و فردگرایی افراطی قرار دارد، بلکه ترکیبی از فرصت‌ها و تهدیدها را در خود جای داده است. روندهای جهانی از یک سو ظرفیت‌های تازه‌ای از جمله دسترسی گسترده‌تر به آموزش‌های تخصصی، امکان مشارکت اقتصادی در حوزه‌های نوین، بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال برای حضور مؤثر در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و گسترش ارتباطات بین‌المللی را برای توانمندسازی زنان فراهم می‌آورند که می‌تواند زمینه معرفی زن مسلمان ایرانی را در سطح جهانی فراهم نماید. از سوی دیگر، همین روندها می‌تواند بعضاً تهدیدهایی جدی برای هویت زن مسلمان و نهاد خانواده از جمله فشار برای یکسان‌سازی نقش‌های جنسیتی، تقلیل هویت زن به کارکرد اقتصادی، افزایش آسیب‌پذیری خانواده در برابر سبک‌های زندگی فردگرایانه و بحران‌های هویتی ناشی از حضور بی‌ضابطه در فضای مجازی نیز به همراه داشته باشد

جدول ۳. سناریوهای آینده عدالت جنسیتی و راهبردهای پیشنهادی در گفتمان انقلاب اسلامی

سناریو	ویژگی‌های اصلی	فرصت‌ها	تهدیدها	راهبردهای کلیدی	نسبت با دال‌های مرکزی
خوش‌بینانه (پیشرفت هم‌ساز)	هم‌افزایی روندهای جهانی با هویت زن مسلمان	توانمندسازی علمی و اقتصادی زنان، تثبیت خانواده، حضور جهانی	خطر تقلیل هویت زن به کارکرد اقتصادی	دیپلماسی فرهنگی، الگوسازی رسانه‌ای، حمایت فناورانه	کرامت زن، نقش تمدنی، عفاف
بدبینانه (چالش هژمونیک)	سلطه گفتمان سکولار و فردگرایی افراطی	امکان بازتولید گفتمان بومی از دل بحران	تضعیف خانواده، بحران هویت زن، سلطه رسانه‌ای غرب	تقویت نهاد خانواده، مقاومت فرهنگی، بازسازی نظام آموزشی	مادری، مسئولیت اجتماعی، عدالت استحقاقی
میانه (تعامل و مقاومت)	ترکیب فرصت‌ها و تهدیدها، واقع‌بینانه‌ترین تصویر آینده	دسترسی گسترده به آموزش، مشارکت اقتصادی، ظرفیت‌های دیجیتال	فشار برای یکسان‌سازی نقش‌ها، بحران هویت در فضای مجازی	سیاست‌گذاری هوشمند، توازن کار و زندگی، شبکه‌سازی جهانی	عدالت استحقاقی، کرامت زن، نقش تمدنی

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهانه نشان داد که این گفتمان بر پایه دال مرکزی «کرامت انسانی زن» و مفصل‌بندی مفاهیمی چون مادری، عفاف، نقش تمدنی و مسئولیت اجتماعی، الگویی متوازن و چندلایه از زن مسلمان ارائه می‌دهد. این الگو نه تنها در سطح نظری، بلکه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز تلاش دارد هویت زن مسلمان را از تقلیل به کارکردهای صرفاً اقتصادی یا فردگرایانه حفظ کند و تصویری الهی-تمدنی از جایگاه زن ارائه دهد. در واقع، گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر کرامت زن، او را به‌عنوان موجودی صاحب رسالت الهی و نقش تمدنی معرفی می‌کند که حضورش در خانواده، جامعه و عرصه‌های کلان تمدنی مکمل یکدیگر بوده و هیچ‌یک به دیگری تقلیل نمی‌یابد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی نه یک مفهوم صرفاً اجتماعی یا حقوقی، بلکه بخشی از منظومه تمدنی و الهی آن است که بر مبنای «عدالت استحقاقی» تعریف می‌شود؛ بدین معنا که زن و مرد هر یک متناسب با فطرت، توانایی‌ها و

مسئولیت‌های الهی خود از حقوق و موقعیت عادلانه برخوردارند. در این چارچوب، عدالت جنسیتی به معنای برابری مطلق یا حذف تمایزات طبیعی نیست، بلکه به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها و مسئولیت‌ها بر اساس تفاوت‌های وجودی و الهی زن و مرد است. این نگاه، ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی میان دو جنس، بر آن است که عدالت زمانی محقق می‌شود که هر فرد در جایگاه متناسب با توانایی‌ها و مسئولیت‌های الهی خود قرار گیرد و از امتیازات عادلانه برخوردار باشد. از این منظر، زن مسلمان در گفتمان انقلاب اسلامی همزمان سه نقش کلیدی شامل نخست، نقش خانوادگی به‌عنوان مادر و محور تربیت نسل آینده؛ دوم، نقش اجتماعی به‌عنوان کنشگر فعال در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛ و سوم، نقش تمدنی به‌عنوان حامل هویت اسلامی و مشارکت‌کننده در ساخت تمدن نوین اسلامی را ایفا می‌کند. این سه نقش در تعامل با یکدیگر، تصویری جامع از زن مسلمان ارائه می‌دهند که نه در چارچوب سنتی صرف محدود شده و نه در قالب مدرن سکولار حل می‌گردد، بلکه الگویی مستقل و بومی را شکل می‌دهند. تحلیل آینده‌پژوهانه نشان داد که این نظام معنایی در برابر روندهای جهانی همچون فمینیسم رادیکال، جنسیت‌زدایی، بحران هویت‌های جنسی و فروپاشی خانواده، نیازمند بازتعریف مستمر مفاهیم و راهبردهای خود است. در این میان، عدالت جنسیتی به‌عنوان یکی از عرصه‌های اصلی نزاع گفتمانی، می‌تواند به نقطه قوت گفتمان انقلاب اسلامی بدل شود؛ مشروط بر آنکه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، دینی و تمدنی، در برابر فشارهای جهانی مقاومت کرده و همزمان توان الهام‌بخشی در سطح بین‌المللی پیدا کند. به بیان دیگر، عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی صرفاً یک سیاست اجتماعی نیست، بلکه بخشی از پروژه تمدنی انقلاب اسلامی است که می‌کوشد زن مسلمان را در جایگاه انسانی تراز، با کرامت ذاتی و نقش‌های چندگانه معرفی کند. این نگاه، ضمن نقد رویکردهای مساوات‌گرایی افراطی یا تبعیض‌آمیز، الگویی متوازن از عدالت ارائه می‌دهد که هم به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد توجه دارد و هم بر حقوق و مسئولیت‌های مشترک انسانی آنان تأکید می‌کند. بر این اساس، عدالت جنسیتی در گفتمان انقلاب اسلامی تنها با بازآفرینی مفهومی و کنشگری راهبردی می‌تواند در برابر چالش‌های نوظهور پایداری و الهام‌بخشی خود را حفظ کند. با این حال، لازم است به برخی پیشنهادات برای توسعه مطالعات آینده اشاره شود.

- بازخوانی و بازتعریف مفاهیمی چون «کرامت زن»، «نقش تمدنی»، «مادری» و «عفاف» در قالبی متناسب با شرایط نوظهور اجتماعی و فرهنگی تا این مفاهیم بتوانند در برابر موج‌های جهانی معنا و کارکرد خود را حفظ کنند

- الگوسازی هویتی زن مسلمان ایرانی طراحی و معرفی الگوهای موفق زن مسلمان در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی، به‌گونه‌ای که هم نقش خانوادگی و هم نقش اجتماعی و تمدنی زن را برجسته سازد و الگویی الهام‌بخش برای نسل‌های آینده فراهم آورد
- تقویت نهاد خانواده به‌عنوان محور عدالت جنسیتی سیاست‌گذاری برای حمایت از خانواده، ارتقای جایگاه مادری و پدرانه و ایجاد سازوکارهایی برای تعادل نقش‌های زن و مرد در خانواده و جامعه، به‌عنوان راهبردی بنیادین برای تحقق عدالت جنسیتی.
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناورانه و فضای مجازی استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال برای بازتولید هویت زن مسلمان، مقابله با هجمه‌های فرهنگی و ارائه روایت‌های بومی و تمدنی از جایگاه زن در انقلاب اسلامی
- دیپلماسی فرهنگی و گفتمانی در سطح بین‌المللی معرفی و ترویج الگوی زن مسلمان ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی، ایجاد شبکه‌های فرهنگی و علمی میان زنان کشورهای اسلامی و تقویت گفتمان عدالت جنسیتی مبتنی بر کرامت انسانی در سطح جهانی
- توانمندسازی زنان در عرصه‌های اجتماعی و مدیریتی فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای مشارکت زنان در مدیریت، سیاست‌گذاری و فعالیت‌های اجتماعی، در چارچوب ارزش‌های اسلامی و با حفظ هویت زنانه
- سیاست‌گذاری آموزشی و فرهنگی طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای نهادینه‌سازی مفاهیم عدالت جنسیتی در نسل‌های آینده، تقویت

## منابع

- ◀ امید، علی، و احمدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۷). «غیریت‌سازی خاکستری در شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه لاکلائو و موفه»، مطالعات ملی، ۱۹(۲)، ۲۴-۴۲.
- ◀ ایمان‌زاده، علی، و فرهادی، مهلا (۱۳۹۷)، «تبیین مدل ارتقا عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه بر اساس نظریه زمینه‌ای»، نشریه زن و جامعه، ۳۴(۲)، ۶۸-۳۵.
- ◀ تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). زن در آینه جمال و جلال الهی، قم، نشر اسراء.
- ◀ حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵). روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، انتشارات مفید.
- ◀ خادمی، عاطفه، و تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۸). «مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی»، زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۲)، ۲۷۷-۲۵۷.
- ◀ خانی، زهرا، و سهرابی‌فر، وحید (۱۴۰۳). «تبیین مفهوم عدالت در بستر جنسیت از منظر آیت‌الله جوادی آملی»، حکمت اسراء، ۱۶(۲)، ۹۱-۱۱۶.
- ◀ خلجی، عباس (۱۳۸۶)، «ناسازهای نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی»، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- ◀ بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زنان خوزستان، منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی (۱۳۷۵/۱۲/۲۰) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>: بازنمایی شده از سایت به آدرس:
- ◀ بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت سالروز ولادت حضرت فاطمه معصومه (س) (۱۳۹۵/۵/۲۵) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33912>: بازنمایی شده از سایت به آدرس:
- ◀ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۲/۱۰/۲۰) بازنمایی شده از سایت به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54907>.
- ◀ بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت سالروز ولادت حضرت فاطمه (۱۴۰۱/۱۰/۲۲) بازنمایی شده از سایت به آدرس <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51748>
- ◀ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۲/۱۰/۱۵) بازنمایی شده از سایت به آدرس <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54834>.
- ◀ خمینی، روح‌الله (۱۴۰۴)، پیام به دانشجویان و دانش‌آموزان، منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی روح‌الله به آدرس الکترونیکی: <https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol:15>
- ◀ داوری اردکانی، نگار، و عیار، عطیه (۱۳۸۷). «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۲).
- ◀ دلفی، کریستین (۱۳۸۵). بازاندیشی در مفاهیم جنس و جنسیت، ترجمه شهلا اعزازی و مریم خراسانی، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- ◀ سیمبر، رضا، و رضاپور، دانیال (۱۳۹۷). «جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی»، زن و جامعه، ش ۳۴، ۱۵۴-۱۳۳.
- ◀ شجریان، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۷(۱۲)، ۵۲-۳۱.
- ◀ شجریان، مهدی (۱۴۰۰)، «عدالت جنسیتی و گفتمان تغییر در احکام فقهی زنان»، مطالعات راهبردی زنان، ۲۳(۹۱)، ۲۸-۷.
- ◀ شریفی، سیران (۱۴۰۱)، بررسی مبانی و مؤلفه‌های عدالت جنسیتی در جامعه ایرانی-اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق گرایش خانواده، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ◀ صفری شالی، رضا (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۲(۲)، ۲۳۷-۲۱۱.
- ◀ گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۰، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات مرکز.
- ◀ فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ◀ فرهمند، مهناز، جواهرچیان، ندا، و هاتفی‌راد، لیدا. «جهانی‌شدن فرهنگ و بازاریابی تعاملات جنسی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۵(۱۴)، ۲۰۴-۱۷۵.
- ◀ قریشی، سید علی اکبر (۱۳۷۲). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- ◀ علاسوند، فریبا (۱۳۸۲). «عدالت جنسیتی به مثابه یک مفهوم تفسیرپذیر و نامتعین»، فصلنامه مطالعات فقهی و حقوقی زن و خانواده، ۱(۱)، ۷۸-۵۹.
- ◀ علیپور، پروین، زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر، و جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۶(۲)، ۲۲۹-۲۰۳.
- ◀ نصرت خوارزمی، زهره، قاسمپور، فاطمه، و نصرت خوارزمی، حنا. (۱۳۹۹)، کنش فرهنگی زنان پس از انقلاب اسلامی؛ تحلیل گفتمان مطالبات فمینیسم اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۴)، ۹۶۶-۹۳۱.
- ◀ کسرائی، محمدسالار (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، ۳۹(۳)، ۳۶۰-۳۳۹.
- Burr, vivein, (2002), Gender and Social Psychology, New York: Routledge.